

به نام هستی بخش

گفتمان اگزیستانسیالیستی دو
بیمار روانی با درمانگرشان درباره‌ی



به کوشش

رامین کریمی

مقدمه

«انسان در جست وجوی معنا»^۱ یا آدمی «در فراسوی آزادی و شأن»^۲ همواره در جست وجوی «آرمانشهر»^۳ بوده است. در جست وجوی کیمیا. بسیار دورتر از جنبش های فکری معاصر، به ویژه در گستره ی فلسفه و فن آوری، آدمی به یاری عرفان توانسته به چرایی هایی پاسخ دهد که در مقایسه ی دوره های تاریخی گوناگون با امروز، می توان گفت که پاسخ های عرفانی دیروز، شده است تحلیل های روانکاوی امروز. و عقده ی ادیپ^۴ یا اسطوره ی یونس^۵ به روایت زیگموند فروید^۶، با اساطیری که فردوسی در شاهنامه می آفریند، توان مقایسه دارد. که با توجه به ابزارهای سنجش دیروز و امروز، بهتر بتوان این مقایسه و همسنگی را انجام داده و از سویی انجام دادن آن را نیز روا دانست. با مقایسه ی متون معتبر دوران رنسانس در اروپا، همچون سه گانه ی کمدی الهی^۷، اثر دانته^۸ با متون بسیار کهن ایران باستان، چون ارداویراف نامه^۹ نیز می توان جست وجوگری روح و سرشت آدمی

۱- ویکتور فرانکل، انسان در جست وجوی معنا. چاپ نوزدهم، ترجمه نهضت

صالحیان و مهین میلانی، (تهران: نشر درس، ۱۳۹۰)

۲- بی. اف. اسکینر، فراسوی آزادی و شأن. چاپ دوم، ترجمه علی اکبر سیف،

(تهران: نشر دوران، ۱۳۹۲)

۳- بی. اف. اسکینر، آرمانشهر (۲)، ترجمه جعفر نجفی زند، نشر

۴- Oedipus Complex

۵- Jonah

۶- Sigmund Freud

۷- Divine Comedy

۸- Dante Alighieri

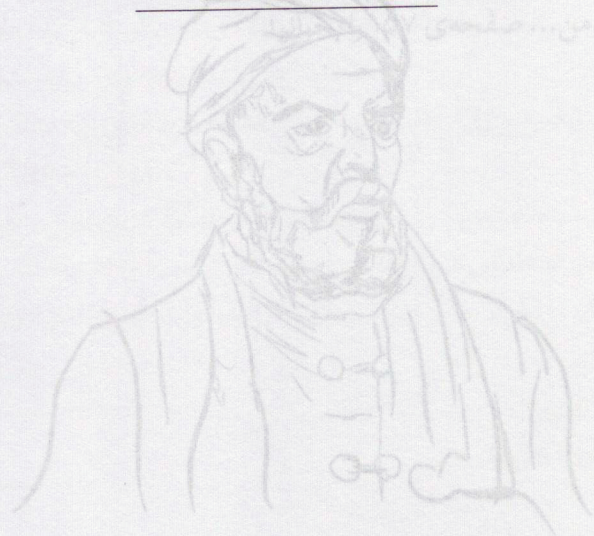
۹- در مقدمه ی ترجمه ی کمدی الهی توسط شجاع الدین شفا، این نظریه مطرح

شده که به احتمال، دانته اثرش را پس از مطالعه ی ارداویراف نامه ی ایرانیان به نگارش

درآورده و علت آن را نیز همسویی محتوایی و داستانی این دو اثر دانسته اند که البته

اقتباسی هنرمندانه و قوی به شمار می رود و از ارزش آن نمی کاهد.

وقتی در خانه هستی؛ مواظب اخلاقت باش
وقتی در جامعه هستی؛ مواظب گفتارت باش
وقتی تنها هستی؛ مواظب افکارت باش



را به عنوان سبکی برگزیده برای زیستن متعالی بخوبی دید. اگر می‌پذیریم که تمدن، یعنی پیشنهاد تعریفی نواز انسانیت که به جهش اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد، پس به‌گواهی تاریخ، این دو امر دوبار درباره‌ی ایرانیان (تمدن پیش از اسلام و تمدن پس از اسلام) روی داده و بنابراین، «حقوق شهروندی»، نه یک کالای وارداتی که یک فلسفه و نگاه فرهنگ وابسته به مقوله‌ی پیچیده‌ای به نام «انسان» است. و به‌همین دلیل، نام‌آوران زیادی را در تاریخ می‌بینید که آن اندازه بزرگ نبوده‌اند که تأثیرگذاری‌شان به نیکی یاد شود. و از آن جمله می‌توان به تیمور و چنگیز و دیگران اشاره کرد. در واقع، تمدن نه از جهان‌گشایی، که در جوهره‌ی تعریف انسان رستگار معنا می‌گیرد؛ و آنچه تلاش برای بالندگی و شکوفایی اندیشه‌ی آدمی است، چه در غرب ایران باشد چه جهان غرب، دنیای از نو کشف شده‌ی سرخپوستان، ارزشمند است و عقل سلیم در طبقه‌بندی آن، آنچه رستگاری است و آنچه گمراهی، تفاوت و تمایز قائل است. این‌ها را نمی‌توان با رسانه، به‌اندیشه تحمیل کرد. چراکه این‌ها در هنر، ادبیات، قوانین، کتاب معنوی و شیوه‌ی زندگی آن مردمان ریشه دارد و قابل شناسایی و تشخیص است.

منظورم از شیوه‌ی زندگی، به بیان دقیق‌تر، فرهنگ و زیرساخت‌های زندگی یک جامعه است که دولتمردان را شکل می‌دهد. اگر ناصرالدین شاه سرسره و حرمسرا داشته و مرز و بومی را بر باد داده، نه از او که از ماست. و فراموش نکنیم که این ما، رستم شاهنامه را هم در چاه سنگ باران کرد؛ سیاوش را به افراسیاب سپرد؛ لطفعلی خان و کریم خان زند را به دست آغامحمدخان برانداخت؛ این ما، همان

امیرکبیری است که اگر آن روزهای نخست در مقابل شاهزادگان شمشیر را از رو نبسته بود و اگر به‌همین دلیل، پانزده سال بیشتر بر مسند کار می‌ماند، امروز اوضاع به‌گونه‌ی دیگری رقم خورده بود. کتاب «گفتمان اگزیستانسیالیستی دو بیمار روانی با درمانگرشان درباره‌ی حقوق شهروندی»، کتابی است برای ما، نه آن‌ها... کتابی است برای ما، برای ما و برای ما...! کتابی که من خوانده‌ام، همسرم خوانده است و تک‌تک شاگردانم خوانده‌اند. آن را حتی مؤسسه خیریه‌ای در نهاوند، مؤسسه‌ای در سنندج و کودکان کار در پامنار هم خوانده‌اند و شما هم همین‌طور. ما از خودمان آغاز می‌کنیم.

#رامین-کریمی

#raminkarimi

Raminkarimi.com

Iamraminkarimi@gmail.com